

مفهوم «شروع به رسیدگی» در تبصره ۲ ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

امید شهبازی *

حسن باوی **

مشخصات رأی

شماره دادنامه: ۹۴۰۹۹۷۲۱۱۴۲۰۰۳۶۳

تاریخ صدور رأی: ۱۳۹۴/۰۹/۲۳

مرجع رسیدگی: شعبه چهارم دادپاری دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۱۲
(امام خمینی) تهران

۱. خلاصه جریان پرونده و رأی

در پی شکایت مطرح شده نزد دادرسی عمومی و انقلاب ناحیه ۱۲ (امام خمینی) تهران، دایر بر ایراد صدمه بدنی غیر عمدی ناشی از بی احتیاطی و عدم رعایت نظامات دولتی در امر رانندگی، پرونده پس از بررسی با صدور کیفرخواست از سوی دادسرا به شعبه ۱۰۱۴ دادگاه عمومی جزایی مجتمع قضایی ولیعصر تهران، ارجاع و شعبه مذکور با این استدلال که سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال تمام شمسی بوده است، مستند به ماده ۳۰۴ قانون آیین

* دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه علامه طباطبایی و پژوهشگر پژوهشکده استخراج رأی و مطالعات رویه قضایی پژوهشگاه قوه قضاییه
omid.sh1993@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری اطفال و نوجوانان دانشگاه علامه طباطبایی



دادرسی کیفری ۱۳۹۲، پرونده را با صدور قرار عدم صلاحیت به شعبه ۱۱۸۴ دادگاه عمومی اطفال مجتمع قضایی شهید فهمیده تهران، ارسال می‌دارد. با ارجاع پرونده به شعبه ۱۱۸۴ دادگاه عمومی اطفال تهران، شعبه مذکور نیز با این استدلال که هرچند مرتکب در زمان ارتکاب جرم زیر هجده سال سن داشته، لکن چون در زمان ارجاع پرونده از دادرسی به دادگاه سن وی از هجده سال تمام تجاوز نموده است، مستند به تبصره دو ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، قرار عدم صلاحیت به شایستگی دادگاه کیفری ۲ تهران صادر و اعلام می‌دارد.

در پی حدوث اختلاف بین دادگاه کیفری دو و دادگاه عمومی اطفال پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان به‌عنوان مرجع صالح حل اختلاف ارسال می‌گردد و این مرجع نیز با استدلالی مشابه نظر دادگاه عمومی اطفال تهران بیان می‌دارد: با توجه به شروع به تحقیقات و رسیدگی در دادرسی که منتهی به قرار مجرمیت و کیفرخواست گردیده و پرونده به شعبه ۱۰۱۴ دادگاه عمومی جزایی تهران ارجاع گردیده است و در این فاصله سن مرتکب جرم به بالاتر از ۱۸ رسیده است. فلذا با تعیین صلاحیت به رسیدگی در شعبه ۱۰۱۴ دادگاه کیفری ۲ تهران مبادرت به رفع اختلاف می‌نماید.

نهایتاً شعبه ۱۰۱۴ دادگاه کیفری ۲ تهران مطابق تصمیم دادگاه تجدیدنظر استان مبادرت به رسیدگی نموده و با توجه به ادله موجود در پرونده، بزه‌کاری متهم را محرز دانسته و مستند به مواد ماده ۷۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ و همچنین مواد ۶۸، ۱۹، ۴۴۹، ۵۵۹، ۶۳۵، ۶۴۶، ۷۰۹، ۷۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، نامبرده را به پرداخت جزای نقدی و مبالغی به‌عنوان دیه محکوم می‌نماید.

۲. نقد و بررسی

۱.۲. تحلیل رأی صادره

از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد مطالعه در حقوق کیفری، مسئله صلاحیت دادگاه رسیدگی‌کننده به جرائم اطفال و نوجوانان است. ملاک صلاحیت دادگاه

اطفال و نوجوانان، سن مرتکب می‌باشد و اصولاً زمانی که صحبت از سن مرتکب به‌عنوان ملاک و معیار تعیین صلاحیت یک مرجع قضایی می‌شود، سن او در زمان ارتکاب جرم موردنظر است. با توجه به تبصره دو ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) می‌توان اظهار داشت قانون‌گذار استثنائاً سن مرتکب در زمان شروع به رسیدگی را ملاک صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان قرار داده است، بدین صورت که اگر متهم در این تاریخ کمتر از هجده سال تمام سن داشته باشد دادگاه اطفال و نوجوانان، صالح به رسیدگی است و در غیر این صورت رسیدگی به اتهام وی حسب مورد، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری صالح خواهد بود. مطابق این تبصره: «هرگاه در حین رسیدگی، سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد، در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد».

حال باید دید منظور از عبارت «شروع به رسیدگی» در تبصره فوق چه تاریخی است؟ با مذاقه در آراء صادره می‌توان گفت قضاات دادگاه بدوی و تجدیدنظر، مفهوم «شروع به رسیدگی» را زمان ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه می‌دانند. به سخن دیگر، بنا به نظر آنان چنانچه فردی در زمان ارتکاب جرم کمتر از هجده سال سن داشته باشد اما در زمان ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه، سن وی از هجده سال تمام تجاوز نماید رسیدگی به اتهام وی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری صالح است نه دادگاه اطفال و نوجوانان.

بنابراین، منشأ اصلی صدور رأی مزبور مربوط به این امر است که اساساً شروع به رسیدگی، به چه مرحله‌ای از فرایند دادرسی گفته می‌شود. بدین منظور و جهت بررسی صحت و سقم برداشت قضاات در گام نخست به این موضوع می‌پردازیم که: آیا قانون‌گذار در قوانین مختلف عبارت «شروع به رسیدگی» را تعریف یا تبیین نموده است یا خیر؟ در صورت سکوت قانون‌گذار در این خصوص، گام بعدی بررسی

مفهوم دقیق و مطابق با اصول حاکم بر دادرسی (به‌ویژه اصول حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان) عبارت فوق خواهد بود.

۲.۲. مفهوم «شروع به رسیدگی» در قوانین موضوعه

قانون‌گذار در مواد و قوانین مختلف به کرات از عبارت «شروع به رسیدگی»^۱ و یا عبارات مشابه از قبیل «جلسه رسیدگی»^۲، «مرحله رسیدگی»^۳، «جلسه دادرسی»^۴ و ... استفاده کرده چراکه در هیچ‌یک از قوانین جدید و قدیم تعریف روشن و دقیقی از عبارت مزبور (شروع به رسیدگی) ارائه نگردیده است. بنابراین، درخصوص مفهوم شروع به رسیدگی، نظراتی مطرح گشته که به بیان و بررسی هریک از آنان می‌پردازیم.

۳.۲. نظرات و تفاسیر ارائه شده درخصوص مفهوم «شروع به رسیدگی»

نخستین برداشت و تفسیری که از عبارت مذکور می‌توان ارائه داد این است که مرحله شروع به رسیدگی هم‌زمان با ورود پرونده به دادسرا و شروع به تحقیقات آغاز می‌گردد. درواقع مفهوم شروع به رسیدگی را می‌توان در معنای عام دادرسی که از بدو ورود پرونده به دادسرا آغاز می‌شود تفسیر نمود و مستند تفسیر و برداشت خود را ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی مدنی بیان کرد. مطابق این ماده، «شروع رسیدگی در دادگاه، مستلزم تقدیم دادخواست می‌باشد. دادخواست به دفتر دادگاه صالح و در نقاطی که دادگاه دارای شعب متعدد است به دفتر شعبه اول تسلیم می‌گردد». از سویی دیگر با توجه به نظریه مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه که مقرر می‌دارد «شاکمی می‌تواند با توجه به بند ج ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ از دادگاهی که متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن

۱. تبصره ۲ ماده ۳۰۴ و مواد ۳۳۵، ۳۵۴، ۳۹۴، ۳۹۶ و ... قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

۲. مواد ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۸، ۳۶۱ و ... قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

۳. مواد ۱۰۱ و ۲۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲

۴. مواد ۳۴، ۴۴، ۶۲، ۹۶ و ... قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹

دادگاه مقیم است نیز با تسلیم شکایت شروع به تحقیق و رسیدگی به موضوع شکایت خود را خواستار شود^۱، می‌توان گفت با تسلیم شکایت، شروع به رسیدگی آغاز می‌گردد.^۲

نتیجه تفسیر فوق این است که به محض طرح دادخواست یا شکواییه، رسیدگی شروع می‌شود و چنانچه فردی زیر هجده سال مرتکب جرم گردد و قبل از شروع به تحقیقات مقدماتی توسط دادسرا و یا دادگاه (در مواردی که پرونده به صورت مستقیم در دادگاه مطرح می‌گردد) سن متهم از هجده سال تجاوز نماید رسیدگی به اتهام وی از صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان خارج گشته، در صلاحیت دادگاه‌های کیفری قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد برداشت مذکور از عبارت «شروع به رسیدگی» به دو دلیل محکوم به رد است:

نخست اینکه با مذاقه در قانون آیین دادرسی کیفری جدید از جمله ماده ۱ که مقرر می‌دارد «آیین دادرسی کیفری، مجموعه مقررات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجیگری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه‌دیده و جامعه وضع می‌شود»، و همچنین تقسیم‌بندی قانون‌گذار از مباحث قانون جدید بدین صورت که بخش دوم را به تحقیقات مقدماتی اختصاص داده و در بخش سوم به امر رسیدگی و صدور رأی می‌پردازد، می‌توان بیان نمود: قانون‌گذار، مرحله تحقیقات مقدماتی را از مرحله رسیدگی تفکیک کرده است.

دوم، مواد ۳۸۳ و ۳۸۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ می‌باشد که قانون‌گذار مرحله تحقیقات مقدماتی را داخل در مرحله رسیدگی نمی‌داند. به عبارت دیگر مقنن در این دو مقرر با الزامی کردن صدور قرار رسیدگی بعد از تکمیل تحقیقات، این مرحله را از مرحله رسیدگی منفک دانسته است.

۱. نظریه شماره ۷/۱۰۷۲ مورخ ۱۳۷۹/۱۱/۵ اداره حقوقی قوه قضاییه

۲. موسی رحیمی و رضا رحیمی‌دهسوری، گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: جاودانه، ۱۳۹۶)، صص ۱۳۷-۱۳۸.

برداشت دوم از عبارت مذکور که توسط قضات دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه تجدیدنظر استان پذیرفته شده آن است که تحقیقات مقدماتی در دادرسی، صدور قرار جلب به دادرسی و صدور کیفرخواست داخل در مفهوم رسیدگی نیست و شروع به رسیدگی، زمان ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه می‌باشد. براساس این نظر، چنانچه فردی زیر هجده سال مرتکب جرم شود و تحقیقات نسبت به وی در دادسرا صورت گیرد و پس از اتمام، منتهی به صدور قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست گردد لکن در زمان ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه سن متهم از هجده سال تجاوز نماید رسیدگی به اتهام وی در صلاحیت دادگاه‌های کیفری صالح خواهد بود نه دادگاه اطفال و نوجوانان. فلذا طبق این تفسیر، شروع به رسیدگی برابر است با ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه.

تفسیر سوم و یا نهایی از مفهوم مورد بحث این است که شروع به رسیدگی نه تنها شامل تحقیقات مقدماتی و صدور کیفرخواست توسط دادسرا نمی‌شود، بلکه زمان ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه نیز مرحله رسیدگی به حساب نمی‌آید به عبارتی دیگر «منظور از شروع به رسیدگی ... را باید تاریخی دانست که رئیس دادگاه پس از احراز صلاحیت خود دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین را صادر می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که از این تاریخ رسیدگی آغاز می‌شود و تعیین وقت، احضار، ابلاغ و بازگشت اوراق همگی جزئی از تشریفات رسیدگی هستند...»^۱

از جمله دلایلی که برداشت پایانی را مقرون به تقویت و صحت می‌سازد می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف. الأصل دلیل حیث لادلیل

با توجه به اینکه ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری در مقام بیان اصل (اصل رسیدگی به جرائم افراد کمتر از هجده سال در دادگاه اطفال و نوجوانان) است و تبصره دو ماده مذکور به‌عنوان استثنائی بر این اصل وارد شده و نیز با

۱. علی خالقی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۵)، ص ۳۴۹.

عنایت به اینکه قانون‌گذار هیچ‌گونه تعریفی از عبارت «شروع به رسیدگی» ارائه ننموده است بنابراین زمانی که شک می‌کنیم مصداقی در شمول استثناء قرار می‌گیرد یا خیر باید به اصل رجوع شود. به عبارت دیگر، زمانی که فردی زیر هجده سال مرتکب جرم می‌شود با عمل به اصل و با توجه به ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) که ملاک تعیین صلاحیت را سن مرتکب در زمان ارتکاب جرم می‌داند، رسیدگی به اتهام این فرد باید در دادگاه اطفال صورت گیرد. حال در زمان ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه سن متهم از هجده سال تجاوز نموده و ما مردد هستیم که: آیا رسیدگی به اتهام این شخص باید در دادگاه اطفال و نوجوانان صورت گیرد یا به دلیل قرار گرفتن در شمول استثناء، باید در دادگاه کیفری صالح رسیدگی شود؟ با توجه به فقد دلیل، باید به اصل رجوع نمود با این بیان که رسیدگی به اتهام این شخص در دادگاه اطفال و نوجوانان انجام می‌یابد.

ب. جلوگیری از اطاله دادرسی

این تفسیر مانع از آن می‌شود که با گذشت سن متهم از هجده سال در فاصله احضار تا وقت رسیدگی، دادگاه به یک‌باره قرار عدم صلاحیت، صادر و پس از مدت‌ها انتظار، طرفین را به دادگاه دیگری هدایت نماید.^۱

ج. اصول حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان

با توجه به عدم صراحت تبصره دو ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) و نیز با امعان نظر به اینکه قانون‌گذار تعریفی از عبارت «شروع به رسیدگی» ارائه نکرده است، به‌ناگزیر از تفسیر این تبصره گریزی نیست و تفسیر یک قانون باید مطابق با اصول پذیرفته‌شده حاکم بر آن باشد. درخصوص دادرسی اطفال و نوجوانان اصول متعددی حاکمیت دارند ولی در نوشتار حاضر به بیان چند مورد از آن‌ها بسنده می‌شود:

اصل تفسیر کودک‌مدارانه: که یکی از مهم‌ترین اصول حاکم بر دادرسی اطفال و نوجوانان است و مغایر و نقیض آن، اصل «تفسیر به نفع متهم درخصوص

۱. علی خالقی، آیین دادرسی کیفری (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۵)، ص ۷۸.

دادرسی بزرگسالان» می‌باشد. اسناد بین‌المللی، تفسیر کودک‌مدارانه یا تفسیر به نفع کودک را بیان و مقرر داشته‌اند: «به‌منظور تعبیر و تفسیر مقررات مربوط به اطفال بزه‌کار باید از موضع‌گیری کودک‌مدارانه پیروی نمود...». مستنبط از مفاد مندرج در اسناد بین‌المللی، تفسیر قوانین باید به‌گونه‌ای انجام گیرد که مطابق با منافع کودک باشد و قبل از هر چیز باید به خودِ کودک توجه نمود.^۱

اصل رعایت منافع عالیّه کودک و تأمین رفاه وی: دومین اصل از اصول مزبور که در کنوانسیون‌ها^۲ و قوانین داخلی^۳ به‌طور مشخص به آن اشاره شده است. براساس این اصل، در کلیه امور و اقدامات دولت‌ها و خانواده‌ها بایستی منافع کودک را مدنظر قرار داد و کلیه تصمیمات اتخاذی از سوی نهادها، دادگاه‌ها و مقامات اجرایی و تقنینی باید ضمن در نظر گرفتن منافع عالیّه اطفال، ارزیابی گردد.

اصل رسیدگی نزد مراجع متخصص و ضرورت همکاری میان رشته‌ای: مطابق این اصل سوم، اطفال و نوجوانان باید نزد مراجع متخصص که حداکثر حساسیت را نسبت به مصالح عالیّه طفل دارند مورد رسیدگی قرار گیرند. فلذا کلیه اقدامات مربوط به اطفال و نوجوانان باید توسط متخصصین آشنا به امور اطفال و نوجوانان صورت گیرد و از سوی دیگر، ضرورت همکاری مشترک میان نهادهای حرفه‌ای و متخصص گوناگون جهت دستیابی به فهمی جامع از طفل و نوجوان، مستلزم جمع متخصصین مختلف برای شناخت بهتر شخصیت طفل و بالتبع اتخاذ بهترین تصمیم درخصوص آنان با در نظر گرفتن مصالح عالیّه آنان است. در قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) این اصل در مواد ۴۰۹ و ۴۱۰ به رسمیت شناخته شده است.

با مدنظر قرار دادن اصول فوق‌الذکر چنانچه بخواهیم تبصره دو ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری را تفسیر نماییم باید تفسیری را بپذیریم که منافع عالیّه کودک را (دور کردن او از مراجع بزرگسالان که دارای قضاتی مجازات‌گرا هستند و آیین خشک بر آنها حاکم است)، بیشتر فراهم سازد.

۱. فاطمه ابراهیمی‌ورکیانی، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون (تهران: جاودانه جنگل،

۱۳۸۹)، ص ۶۱.

۲. بند یک ماده ۳ کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ و بند ۵ بخش ۱ کنوانسیون حداقل مقررات مطلوب

سازمان ملل متحد برای اداره تشکیلات قضایی مربوط به نوجوانان (مقررات پکن) ۱۹۸۵

۳. ماده ۴۵ قانون حمایت خانواده ۱۳۹۱

۳. نتیجه

پس از تعمق در مطالب و مباحث جستار حاضر، لبّ و حاصل کلام این است که اصولی از قبیل اصل لزوم رعایت مصالح عالیه اطفال و نوجوانان، اصل تفسیر کودک‌مدارانه و اصل لزوم تأمین رفاه وی، در خصوص مفهوم «شروع به رسیدگی»، پذیرش نظری را در اولویت قرار می‌دهد که حمایت بیشتری از اطفال و نوجوانان داشته باشد. طبیعتاً نظری که بیشتر از دیگر نظرات مانع ورود این دسته از افراد به مراجع رسیدگی بزرگ‌سالان می‌شود و در نتیجه آنان را از چنگ رسیدگی مجازاتگر بزرگ‌سالان رهایی می‌بخشد تفسیر سوم است. به عبارتی رساتر، تفسیری در اولویت پذیرش است که زمان شروع رسیدگی را همان تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین به حساب آورد و تاریخ شروع تحقیقات مقدماتی در دادسرا یا دادگاه و یا زمان ارجاع پرونده از دادسرا به دادگاه را خارج از فرایند رسیدگی بداند.

بنابراین، مفهوم تبصره دو ماده ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) بدین‌صورت خواهد بود: «هرگاه در حین رسیدگی، سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه در زمان دستور تعیین وقت و احضار طرفین، سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد».

فهرست منابع:

الف. کتب

۱. ابراهیمی‌ورکیانی، فاطمه، حق دادرسی منصفانه کودکان در تعارض با قانون (تهران: جاودانه جنگل، ۱۳۸۹).
۲. خالقی، علی، آیین دادرسی کیفری، ج ۱ و ۲ (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۴).
۳. خالقی، علی، نکته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: شهر دانش، ۱۳۹۵).
۴. رحیمی، موسی و رضا رحیمی‌دهسوری، گفته‌ها در قانون آیین دادرسی کیفری (تهران: جاودانه، ۱۳۹۶).

ب. قوانین

۱. قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹
۲. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲
۳. قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱
۴. کنوانسیون حداقل مقررات مطلوب سازمان ملل متحد برای اداره تشکیلات قضایی مربوط به نوجوانان (مقررات پکن) مصوب ۱۹۸۵
۵. کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹